

راهنمای مشاوران مسیحی
فصل بیست و هفتم

**Christian Counselors
Manual**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه فصل بیست و هفتم کتاب "راهنمای مشاوران مسیحی" است. این کتاب کلاً شامل چهل فصل می باشد و انتشار تمام کتاب در این مکان امکان پذیر نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب از جنبه عملی کتاب مقدس بهرمنند بشوند تا کلیسای فارسی زبان عیسی مسیح نهایت فیض و رحمت خدا را به دست آورد.

ایمانداری که به مشاوره مسیحی مراجعه کرده در این کتاب "ایماندار" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور مسیحی" نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فصل بیست و هفتم هدایت از طریق تکالیف

تکالیف هفتگی، متقاضی را به درونگرایی از خود می‌کند، تا راه تماس با روح القدس فراهم شود. آنچه انجام شده دیگر گذشت، و حال موقع بازسازی آن. غصه خوردن دردی را دوا نمی‌کند، این را همه می‌دانند. ولی ما علاج درد را نیز داریم. پدر و پسر و روح القدس هر سه درکارند، تا فرزند خدا را در شباهت خود سازند. اما فرزند باید دانسته باشد که جواب را تنها او دریافت خواهد کرد. در اوست که کلام جسم می‌پوشد و کار می‌کند (یوحنا ۱: ۱۴). علاوه بر این، فرزند باید دانسته باشد که، خدا راه رسیدن به آن را نیز نشان داده. راه بازگشت به آغوش پدر باز است. ولی آنچه اتفاق افتاد را باید ابتدا به مشورت خدا برد. پدر، خود همه چیز را می‌داند، ولی می‌خواهد فرزند هم بداند. چون در هر یک از این مراحل که او گذراند، امکان وجود تخم ناباب هست. تخم ناباب جسمانی. روح نابابی که شما را هدایت کرد تا به چنین جایی رسیدید، در جسم نیز تاثیر خود را گذاشت و باعث اختلال فکری و بیماری‌های گوناگون نیز می‌گردد. همین تخم‌های ناباب هستند که تبدیل به سرطان می‌شوند. و خدا همه را می‌داند و علاج هر یک را دارد. متقاضی با سپردن روزانه خود به آنچه کلام خدا از او خواسته، زمینه را برای کار روح القدس فراهم می‌سازد. جواب سؤال، رفع ابهام، حل مسئله، همه در اوست. اما، باید خود را در مقابل او خالی کنی. اگر از خدا چیزی می‌خواهی، باید به درون خود بروی. چشم به درون خود ببری. در آنجاست که او حضور دارد. در ”نهان“ (متی ۶: ۴) است (دل)، که همه کار صورت می‌گیرد. آیا عظمت او را بر درون خود می‌بینی؟ خود را فرزند او می‌بینی؟ خود را مخلوق تازه در او می‌بینی؟ در همین جا مدتی را بگذران. آنوقت مسئله در میان خواهد آمد.

تکالیف از همان جلسه اول و بر طبق ”اطلاعات شخصی ایماندار“ بنا می‌شوند. حذف بنای حقیقت آنچه مطرح شده می‌باشد (نه کمتر و نه بیشتر). متقاضی باید در همان هفته نخست، با تکالیفی روبرو گردد که علاوه بر تشویق و ترغیب، برداشت و ”گشایش“ کلام (چه در رابطه با گناه، و یا پاکسازی) نیز انجام گیرد. سؤالاتی که مطرح می‌شوند، مربوط به رابطه ایست که کلام با وضع موجود او دارد. برداشت او از طریق تکالیف، او را با برداشت از کلام آشنا می‌سازد. حذف، ایجاد رابطه با کلام خداست.

تکالیف باید هر هفته انجام گیرند، و هر جلسه نیز با بررسی تکالیف هفته گذشته آغاز می‌گردد. به همین خاطر نیز، اگر متقاضی تکلیف هفته گذشته را انجام نداده باشد، از ادامه مشاوره محروم می‌شود تا زمانی که تکلیف خانگی را انجام داده باشد. منظور زور و فشار آوردن نیست. همه چیز بستگی به برداشت متقاضی دارد، و نشان آن در همین تکالیف می‌باشد. به مشاور نشان می‌دهند برداشت چگونه بوده و کمبود و احتیاجات کدام هستند.

تکالیف را متقاضی هر هفته، با راز و نیاز با خدا آغاز می‌کند. مطالعه آیات و دعا راجع به مسئله، روزانه بهتر انجام می‌گیرند و موضوع آیات مسئله را باز می‌کنند. شاید ”گشایش“ پنج تا هشت جلسه (هفته) طول بکشد. در این میان نیز مسائل دیگری خود را افشا می‌کنند و ضمیمه کار مشاور می‌گردند. در خصوص رسیدگی به آنچه هر هفته اضافه می‌گردد، در فصل بعد صحبت خواهیم کرد.

یکی مسائلی که بیشتر متقاضیان دارند احساس می‌باشد. معمولاً احساسات است که به خاطر موضوعی (یا موضوع هائی) برانگیخته شده اند و درد سر ایجاد کرده اند. می‌گویند، ”من احساس افسردگی می‌کنم“، یا ”من همیشه خسته‌ام“، یا ”من می‌ترسم از روی پل رد بشم“ و

غیره. احساس ایجاد شده پرده شیطان است که گناه را می پوشاند. گناه را با احساس بد نسبت به کسی یا چیزی می پوشاند تا در نطفه پنهان بماند. می گوید، اشکال در کس دیگر یا چیز دیگر است، نه در خود من.

با احساس نمی توان راه خدا را پیش برد. احساس طبیعتاً خلاف خواست خداست (رومیان ۳: ۲۳)، و زمان نیز می برد تا نسبت به آنچه کلام گفته، حس خوبی را پیدا کند. اینجاست که توکل به روح القدس لازم است تا هر قدمی که برای انجام کلام خدا بر می دارد، برکت یابد. اگر متقاضی در راه درخواست بخشش از برادر یا خواهری می باشد. احتمالاً احساس خوبی ندارد. خجالت و سرشکستگی و جرم نیز، در راهند. بلکه اینجا متقاضی یا تنهاست، یا خدا را با خود دارد. وقتی انگیزه لازم (از بهشت) به او برسد، آنوقت است که قدم بر می دارد. چون باید انتظار داشت که احساس او خلاف آنچه می خواهد بکند را ایجاد خواهد کرد. برداشت نیکو باید گرفته شود تا احساس نیکوی آن نیز بدست آید. و چون صحبت از برداشتی است، مخالف طبیعت مرده ما، احساس اولیه (توبه) خوب نیست، ولی لازم است. اگر پای بر زمین دشمن بگذارید، انتظار برخورد با او را نیز باید داشته باشید. شیطان احساس شرم، شکستگی، بی عدالتی، و جرم را پیش می آورد تا متقاضی را منصرف سازد. شما امروز صبح وقتی از خواب بیدار شدید، با وجود آنکه نمی خواستید سر کار بروید، رفتید. چرا؟ چون عاقبت خلاف آن را نیز می دانید. اجباری که در آن است، انگیزه را ایجاد می سازد. وقتی راه سلامتی را دیدید (و راه مرگ را نیز چشیدید)، آنوقت انگیزه ایجاد می شود. صحبت از سلامتی جسم و روح و جان است. آفریدگار است که پای در میان گذاشته و دل ما را می خواهد. چگونه می توانید "دشمن خود را محبت نمائید" (متی ۵: ۴۴)، وقتی محبت در شما نباشد. بلکه برداشتی است کاملاً منحصر بفرد. کسی نمی تواند آن را انتقال به کس دیگری بدهد. هر کس حکمت خود را در کلام باید بدست آورد. این شامل محبت نیز می باشد. محبت احساس نیست. احساس میوه برداشتی است که از کلام داریم. همانگونه که احساس بد ما بخاطر میوه بدیست که آورده ایم، احساس خوب نیز از انجام خواست خدا بدست می آید. محبت خدا از صرف وقت و مال و جان آغاز می گردد. آنچه عیسی برای ما صرف نمود. اما در خصوص جان، آن را احیا می سازد. با صرف جان فرزندان، برای کمک به همدیگر، محبت خود را بنا می سازد.

متی ۶

۲۱: زیرا هر جا گنج توست، دل تو نیز آنجا خواهد بود.

اگر دلت با خداست، آنچه گفته را انجام بده، صرف نظر از چه احساسی نسبت به آن داری (چه خوب، چه بد)، تنها بخاطر رضایت خدا. چرا؟ چون او نیکی تو را می خواهد. گمان مبر نمی توانی یا بلد نیستی. شما نیستید که کار را انجام می دهید. شما "بکوبید" و "آنگاه به شما داده خواهد شد" (لوقا ۱۱: ۹). شما راه را درون دل خود برای روح القدس باز کنید تا او کار تغییر را انجام دهد. ما کلام را اجرا می کنیم و نتایج را می گذاریم دست خدا. اوست که بنا را می سازد (متی ۷: ۲۴).

اصلاح برداشت های قبلی

مسائلی که متقاضیان دارند، کم و بیش مانند مسائلی است که بی ایمانان دارند. ضعف های شخصی هر یک مورد تجاوز شیطان قرار می گیرند تا زندگی را جهنمی سازند. می دانیم که حیات نو همه چیز را نو می کند. اما ابتدا زمینه باید فراهم گردد. آنوقت حقیقت وارد میدان می شود تا خود را نشان دهد. در چنین مواقعی است که دورویی و حقه بازی از میان می رود. اینجا دیگر نیازی به پنهان کردن موجود نیست. ولی نیاز به مطرح کردن به خدا دارد. هر چه بوده را باید بیاد داشت. جای پای دشمن را باید شناخت. ضعفی در آنهاست که نیاز به مرحم خدا دارد. همانگونه که متقاضی ابتدا نجات یافت، همان نجات (بگونه دیگر) این بار نیز باید انجام بگیرد.

اشعیا ۵۵

۸: خداوند می فرماید:

«افکار من افکار شما نیست،
و نه راههای من، راههای شما.
۹: زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است،
راههای من نیز از راههای شما
و افکار من از افکار شما بلندتر است.»

و زمانی که افکار و رفتار را در خود جویا شدیم (با یاری مشاور)، به آن عمل می کنیم، و در آن می مانیم. چرا؟

اشعیا ۵۵

۱۱: همچنان خواهد بود کلام من که از دهانم صادر می شود؛
بی ثمر نزد من باز نخواهد گشت،
بلکه آنچه را خواستم به جا خواهد آورد،
و در آنچه آن را به انجامش فرستادم کامران خواهد شد.
۱۲: زیرا شما با شادمانی بیرون خواهید رفت،
و به سلامتی هدایت خواهید شد.
کوهها و تلها پیش روی شما بانگ شادی سر خواهند داد،
و همه درختان صحرا دستک خواهند زد.

آیات کلام خداست که باید "باز" شده و در رابطه با مسئله تفسیر گردند ("کوهها و تلها" صحبت از فراز و نشیب های زندگی می کند). ابتدا متقاضی است که تفسیر را (در تکالیف) شرح می دهد. سپس با کمک مشاور (پس از ارزیابی)، برنامه اجرای آن را فراهم می سازند. اجرای آن است که نشان می دهد برداشت چگونه بوده و کمبود ها در کجاست. هیچ مسئله ای نیست که خدا نتواند حل کند. خواست ما را لازم می دارد.